

سایه‌بازی

زین‌السیدون

ترجمه‌ی

رامین آذربهرام

۸۸۱۷۲۶



اسرار است فرارید

سرشناسه:	: سیمنون، ژرژ، ۱۹۰۳-۱۹۹۰ م.	Simenon, Georges
عنوان و نام پدیدآور	: سایه‌بازی / ژرژ سیمنون؛ ترجمه‌ی رامین آذربهرام.	
مشخصات نشر	: تهران: مروارید، ۱۳۸۸.	
مشخصات ظاهری	: ۱۶۰ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.	
شابک	: 978-964-191-079-4	
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا	
یادداشت	: عنوان اصلی:	Maigret mystified
موضوع	: داستان‌های فرانسه -- قرن ۲۰ م.	
شناسه افزوده	: آذربهرام، رامین، ۱۳۴۷-	
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۸ اس ۱۵ ی ۲۶۲۳ / PQ	
رده‌بندی دی‌سی	: ۸۴۳ / ۹۱۴	
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۱۷۴۷۱۰۶	



مروارید

تهران: خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، ۱۱۸ / ص. پ. ۱۶۵۴-۱۳۱۴۵
 تلفن ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۴۰۴۶ - ۶۶۴۰۲۷ - ۶۶۴۸۴۶۱۲ - ۶۶۴۶۷۸۴۸

Morvarid_publisher@yahoo.com

فروش اینترنتی: www.morvarid.com

www.ir.morvarid.ir

سایه‌بازی

ژرژ سیمنون

رامین آذربهرام

چاپ اول ۱۳۸۹

حروفنگاری: نشر هنر امروز

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: طیف‌نگار

تیراژ ۱۱۰۰ جلد

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۰۷۹-۴ ISBN 978-964-191-079-4

۳۴۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۳	فصل اول: سایه‌ای پشم پنجره
۲۱	فصل دوم: یک مرد واقعاً نابینا
۳۵	فصل سوم: زوج ساکن هتل سیگار
۵۱	فصل چهارم: پنجره‌ی طبقه دوم
۶۹	فصل پنجم: زن دیوانه
۸۳	فصل ششم: گرمای خشم
۹۷	فصل هفتم: سه زن
۱۰۹	فصل هشتم: پرستار بیمار
۱۲۱	فصل نهم: مردی با حقوق بازنشستگی
۱۳۳	فصل دهم: کارت شناسایی
۱۴۷	فصل یازدهم: نقشی بر دیوار

مقدمه

ژرژ جوزف کریستین سیمنون (George Joseph Christian Simenon) ۱۲ فوریه سال ۱۹۰۳ در شهر لیژ (Liège) بلژیک به دنیا آمد. پدرش دزیره در یک شرکت بیمه حسابدار بود. ژرژ در سال‌های ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۴ در مدرسه‌ی سن آندره (Saint-Andre) به تحصیل پرداخت و در آغاز جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ به کالج سن لوئی (Saint-louise) رفت که دبیرستانی تحت نظارت ژرژوئیت‌ها بود. تا پیش از ۱۹۱۸ به مشاغل مختلفی از جمله شاگردی در کتاب‌فروشی پرداخت اما در ژانویه‌ی آن سال به بی‌یماری پدرش ترک تحصیل کرد و در نشریه‌ی گازت دو لیژ مشغول خبرنگاری شد. به واسطه‌ی شغلش، با مردمی که در هتل‌های ارزان اقامت داشتند، وقتش را در رستوران‌ها سپری می‌شد و گه‌گاه گذارشان به اداره پلیس می‌افتاد سر و کار پیدا کرد. با منش و رفتار آنان به‌خوبی آشنا شد. این آشنایی بعدها زمانی که نویسنده‌ی حرفه‌ی اصلی‌اش شد بسیار به‌کارش آمد. کار در گازت که روزنامه‌ای پیراژر عامه‌پسند بود باعث شد تا مهارت‌های تندنویسی و ویرایش سریع متون نوشتاری را به‌خوبی فرا گیرد. عادت تندنویسی تا پایان کار با او ماند، به‌نحوی که می‌توانست یک رمان کامل را تنها در سه ساعت بنویسد و آماده‌ی چاپ کند! در دوران کار در گازت بیش از ۱۵۰ مقاله با نام قلمی G.SIM نوشت و در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۲ بیش از ۸۰۰ قطعه‌ی فکاهی با نام مسیو

لکوک (Lecoq) به چاپ رساند. نخستین رمانش را با نام بر پل آرش (Au Pont Des Arches) در ژوئن ۱۹۱۹ نوشت و در ۱۹۲۱ با نام مستعار G.SIM به چاپ رساند. در سال ۱۹۳۰ شخصیت محبوب آثارش، کمیسر مگره، برای نخستین بار در داستان کوتاهی که آن را به درخواست ژوزف کسل (J.Kessel) برای چاپ در مجله‌ی کارآگاه نوشت ظاهر شد. سیمنون در خلال جنگ جهانی دوم در وانده (Vendée) می‌زیست و در همین دوران بود که با آندره ژید نویسنده‌ی نامدار فرانسوی آشنایی یافت. در ۱۹۴۵ پس از آنکه گشتاپو به یهودی بودن وی شک برد از فرانسه‌ی اشغال شده گریخت و به آمریکا رفت. در آن اقامت در آمریکا از خلاقانه‌ترین ایام زندگی پربار سیمنون بود. در ۱۹۴۸ با دیگر به اروپا بازگشت و نخست در فرانسه و سپس در سوئیس اقامت گزید. در ۱۹۷۱ عملاً داستان‌نویسی را کنار گذاشت و به‌نگارش زندگی‌نامه‌ی خود پرداخت. خودکشی دخترش ماری ژو (Marie Jo) در ۱۹۷۸ باعث شد تا سال‌ها پایانی عمر را در اندوه و تنهایی سپری کند. در ۱۹۸۴ به علت تومور مغزی زیر تیغ جراحی رفت و ظاهراً بهبود یافت اما طی چند سال بعد وضع جسمی‌اش وخامت گرائید و در شب چهارم سپتامبر ۱۹۸۹ در شهر لوزان سوئیس هنگامی که در خواب بود از دنیا رفت.

سیمنون یکی از پرکارترین نویسندگان قرن بیستم بود. وی عادت داشت ساعت چهار صبح از خواب بیدار شود و شروع به نوشتن کند. این کار را تا ظهر ادامه می‌داد و بقیه‌ی روز را استراحت می‌کرد. به این ترتیب می‌توانست در هر روز ۶۰ تا ۸۰ صفحه مطلب بنویسد. آثار او بیشتر است بر بیش از ۲۰۰ رمان، ۱۵۰ رمان کوتاه، یک سناریو برای یک فیلم چندین جلد زندگی‌نامه (که نخستین جلد آنها با عنوان خاطرات خودمانی در ۱۹۸۱ منتشر شد)، مقالات بی‌شمار و تعداد زیادی رمان عامه‌پسند که آنها را صرفاً برای کسب درآمد و با یک دوجین نام مستعار نوشته است. اما شهرت وی بیشتر به خاطر ۷ رمان و ۲۸ داستان کوتاهی است که کمیسر مگره قهرمان آنهاست. نخستین این رمان‌ها با نام Pietr Le Letton در ۱۹۳۱ و آخرین آنها مگره و مسیو چارلز (Maigret & Mr. Charles) در ۱۹۷۲ به چاپ رسیدند. آثار وی به ۵۷ زبان ترجمه شده و اغلب آنها در قالب فیلم سینمایی یا مجموعه تلویزیونی به نمایش درآمده‌اند. در مجموع بیش از ۵۵۰ میلیون نسخه از آثار او در سراسر جهان به فروش رفته‌اند

و از این نظر شاید آثارش بیش از هر یک از نویسندگان قرن بیستم به چاپ رسیده باشد. رمان‌های او آمیزه‌ای از پرداخت استادانه و کالبدشکافی هوشمندانه‌ی روان انسان‌هاست وی ترس‌ها، عقده‌های روانی، گرایش‌های ذهنی و وابستگی‌هایی را توصیف می‌کند که در زیر نقاب زندگی معمولی و یکنواخت روزمره پنهان هستند و ناگهان با انفجاری غیرمنتظره به خشونت و نهایت منجر می‌شوند. سیمنون در مصاحبه‌ای گفته است: «هدف همه‌ی رمان‌های من و ماحصل همه‌ی زندگی‌ام چیزی جز جستجوی انسان به آن صورتی که واقعاً هست نبوده است. آنچه من جستجوی انسان می‌نامم جستجوی نیروم است چون مانند دیگران انسان ساده‌ای بیش نیستم. صراحتاً می‌گویم که فقط در بند آفرینش شخصیت‌هایی بوده‌ام تا با کمک آنها انسان را بهتر بشناسم. برانسیا ریاک، که از دوستان نزدیک وی بود، درباره‌ی آثارش گفته است: «گمان نمی‌کنم جرأت آن‌را داشته باشم که به اعماق کابوس‌هایی که سیمنون با مهارت تمام نمایش می‌دهد توصیف می‌کند فرو بروم.»

استقبال بی‌نظیر رمان‌های کلاسیک پلیسی از آثار سیمنون برای وی شهرتی بسزا و ثروتی که نظیر هر مغان آورد و با روی آوردن کارگردانان سرشناسی چون ژان دلانوا، برنارد باورنیه و ژان رنوار به آثار او دوستداران سینما نیز به جمع طرفداران وی پیوستند. با رنوار، چارلز لاتون، هاری بور و ژان گابن در آثار متعددی که بر مبنای شخصیت مگره پدید آمد در نقش وی ظاهر شدند که در میان آنان ژان گابن در ایفای این نقش موفق‌تر بود. البته جان‌بخشیدن به کمیسر مگره بر پرده‌ی سینما کار آسانی نیست. گرچه سیمنون توانسته بود با کوتاه‌ترین کلمات و موجزترین عبارات شخصیت مگره را بر صفحات کتاب‌هایی کوچک و کم‌ورق جان ببخشد اما این مکتب‌نویس تنها به خود وی اختصاص داشت! از سیمنون به‌خاطر ارزش ادبی و هنری آسانی آثارش بارها تجلیل شد و دولت بلژیک در سال ۲۰۰۵ وی را به افتخار «بزرگترین بلژیکی» مفتخر کرد.



کمیسر ژول مگره، کارآگاه سیمنون برخلاف شرلوک هولمز تنها به منطق متکی نیست بلکه از نوعی درک شهودی هم بهره می‌گیرد که نظیر آن‌را تنها

می‌توان در پزشکان اعصاب سراغ گرفت. مگره بیشتر در پی کشف علل درونی جرم است نه در جستجو و شناسایی بی‌واسطه‌ی هویت قاتل. تحقیقات مگره در تمامی پرونده‌ها، نه بر وقایع که بر کندوکاو در شخصیت افراد مظنون متمرکز است. او به این قاعده‌ی کلی معتقد است که فشار روحی انسان‌های عادی را به شرارت وا می‌دارد و از این رو برای حل معما سعی می‌کند خود را به‌ای مجرم بگذارد و بحرانی را که مسبب گناه است شناسایی کند. مگره شخصیتی اعتمادبرانگیز دارد. شخصیتی پدران‌ه که احساسات فروخورده‌ای را که به عناد و طغیان می‌انجامند می‌شناسد و آنها را همان‌طور که هستند

می‌بیند. شخصیت‌های آثار سیمنون در عین حال که فرانسوی هستند نوعی جهت‌شناسی دارند که از مرزهای تاریخی و جغرافیایی و حتی از محدودیت‌های زمانی می‌گذرد و ابعادی فراتر از شخصیت‌های ساده‌ی داستانی به آنها می‌بخشد. ناتوانی معمول این شخصیت‌ها در برقراری ارتباط با دیگران، بازتابی از حقیقت زندگی در جوامع صنعتی امروز است: انباشته از روزمرگی، فقدان اراده و فروپاشی عقل حاصل از تنهایی.

* *

ماجرای «سایه‌بازی» در یکی از محلات قدیمی پاریس روی می‌دهد. در ساختمانی مجاور میدان وژ که یکی از مبدین تاریخی و ساکت پاریس است جنایتی رخ داده است. صاحب یک آزمایشگاه دارویی به ضرب گلوله کشته شده است و گاوصندوق محل کارش را خالی کرده‌اند. مگره در جریان بررسی پرونده‌ی این قتل با سایر مستأجران ساختمان آشنا می‌شود که یکی از آنها نسبت به مرد مقتول کینه‌ای آشکار دارد. ملاقات با خانم اسرار از زندگی پنهانی وی را برملا می‌سازد. اسراری که مگره را با پنهان کردن حسد، شرارت و بی‌رحمی رو در رو می‌کند.

* * *

ترجمه‌ی آثار سیمنون کار ساده‌ای نیست. جملات آثار وی کوتاه‌اند اما چنان استادانه در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند که فضای حاکم بر اثر مانند یک

تابلوی زیبا پیش چشم خواننده گسترده می‌شود. این فضاسازی هنرمندان باعث می‌شود حتی دور از ذهن‌ترین وقایع، ملموس و باورپذیر به نظر آیند. در برگردان متن تلاش کرده‌ام تا حد امکان سبک نوشتاری سیمون نیز حفظ شود. لحن گفتگوها بسته به طبقه‌ی اجتماعی و نحوه‌ی گویش شخصیت‌ها در جای‌جای متن متفاوت است که سعی کرده‌ام با استفاده از زبان محاوره‌ای و شش‌گسته‌نویسی این تفاوت‌ها را عیناً انعکاس دهم. امیدوارم این اثر نیز همانند داستان «دیوانه‌ی شهر برژراک» که پیش از این ترجمه کرده‌ام و با نام دیوانه‌ای در شهر» توسط همین ناشر به چاپ رسیده است مورد توجه دوستداران ادبیات بیسی قرار گیرد.

دی ۱۳۸۷

رامین آذریه‌رام